

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هفتم، شماره هجدهم، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۶۰-۱۸۷

خلاءهای موجود در بستر سیستم بانکداری زمینه ساز پولشویی^۱

مهدی بختیاری^۲

چکیده:

پولشویی یا تطهیر درآمد ناشی از جرم یا پاک نمایی اموال ناشی از جرم اصطلاحاتی هستند که در جهت تبیین و بیان این فرایند بکار برده می شوند. استفاده از پولشویی به جای تطهیر درآمد ناشی از جرم مناسب تر است. در ساده ترین عبارت، پولشویی، پردازش عواید حاصل از فعالیت های مجرمانه به منظور پنهان کردن یا تغییر ظاهر منشأ غیرقانونی آن است. پولشویی، دارای سابقه ای دیرینه است.

پولشویی از مراحل سه گانه تشکیل شده است و به انواع سنتی و مدرن تقسیم می گردد و می توان گفت پولشویی سنتی و مدرن به رغم وجوه اشتراکی که با هم دارند، از جمله اهداف مشترک، استفاده از عاملین پوشش و استفاده از مؤسسات مالی و بانک هاتنها تفاوتشان در روش های ارتکاب این جرم است. کنوانسیون وین به طور کلی اولین اقدام جدی در جهت تدوین مقررات مبارزه با پولشویی از سوی کشورها و سازمان ملل متبلور شده است و در سال ۱۹۹۰ لازم الاجرا شد و در ایران نیز در سال ۱۳۷۰ شمسی مجلس شورای اسلامی آن را به تصویب رسانید. به دنبال گسترش اقدامات جهانی برای مبارزه با پولشویی، در اواخر دهه هفتاد شمسی، بانک های کشور با موج در خواست بانک های کار گزار بین المللی برای ارائه خط مشی و دستورالعمل مبارزه با پولشویی مواجه شدند. به همین دلیل اقدامات جدی تر از سوی مقامات ذیربط برای مبارزه با پولشویی در ایران صورت گرفت و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۷، قانون مبارزه با پولشویی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. با توجه به قوانین و دستورالعملهای پولشویی که می توان آنها را به روز دانست. اما در ایران به دلیل عدم نظارت دقیق بر اجرای قوانین، اقتصادمریض و عدم وجود ضمانت اجرای کافی در جهت اجرای قوانین در خصوص مبارزه با پولشویی چندان موفق نبوده است.

کلمات کلیدی: خلاءها، سیستم بانکداری، پولشویی.

۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.

مقدمه

پولشویی، دارای سابقه‌ای دیرینه است. شاید بتوان ادعا کرد که فعالیتها و اقداماتی که برای تطهیر پول و اموال حاصل از جرم صورت می‌گیرد، تاریخی به قدمت ارتکاب جرم دارد. به عبارت دیگر از زمانی که بشر، ربودن مال غیر و سرقت را جرم دانسته و با مفاهیمی چون قاچاق کالا و موارد مخدر و اسلحه آشنا شده و مفهوم تروریسم را شناخته است و آن را جرم تلقی کرده، پدیده پولشویی نیز به وجود آمده است.

از دهه ۱۹۶۰، پولشویی ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد و اقتصادهای ملی را تحت تأثیر قرار داد. در سالهای اخیر، با تبدیل پولهای اروپایی به واحد پول مشترک «یورو» فعالیتهای پولشویی زیادی صورت گرفته است. در این سالها، تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا توافق کردند که واحد پول جدید داشته باشند. ارائه پولهای هنگفت برای تبدیل به «یورو» توسط برخی از افراد، که آن پولها را از راههای نامشروع به دست آورده بودند، منجر به کشف منشاء غیر قانونی آنها می‌شد. از این رو، افراد سعی کردند پول خود را تبدیل به کالا و خرید اموال گوناگون به ویژه اموال غیر منقول کنند.

و عملیات پولشویی در چند مرحله صورت می‌گیرد:

اولین مرحله، از فرایند جرم پولشویی، موقعیت‌یابی یا تزریق وجوه حاصل از فعالیتهای غیر قانونی به شبکه مالی رسمی، با هدف تبدیل عواید از حالت نقدی به ابزارها و دارایی های مالی است

این مرحله را لایه سازی یا مرحله انشعابی یا تحرکی نیز نامیده می‌شود و در این مرحله پول نامشروع در درون موسسه مالی که ابتداءً آنجا سپرده شده است به چندین شاخه منشعب گردیده یا از درون چندین موسسه عبور داده شده یا به نحوی دستکاری می‌شود که تنها یک چهره حقیقی از مبدا و ماخذ ایجاد پول بجای ماند آخرین مرحله پولشویی «ادغام و ترکیب» است. در این مرحله، وجوه غیرقانونی توسط برخی فعالیت‌های ساده و یا پیچیده، با بدنه اصلی اقتصاد کشور ادغام می‌شوند

از روشهای پولشویی می‌توان سنتی و الکترونیکی را نام برد که روشهای کنونی این جرم می‌باشد در مرحله اول پولشویی به روش سنتی که مرحله جایگزینی نام دارد، اولین قدم، انتقال فیزیکی پول نقد است. عمده ترین روش هایی که در این مرحله مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارت است از: سپرده گذاری درآمدهای ناشی از جرم و فعالیت های مجرمانه در بانک های داخلی یا سایر مؤسسه های مالی، سپرده گذاری در بانک های خارجی، خرید کالاهای با ارزش و یا به کار انداختن درآمدهای مجرمانه در رستوران ها، هتل ها و قمارخانه ها و کسب پول های تحصیل شده از این طریق. اما در پولشویی الکترونیکی، جهت انجام مرحله جایگزینی، پولشو می‌تواند به راحتی و با استفاده از پول های الکترونیکی و توسط کارت های هوشمند، درآمدهای مجرمانه اش را با قابلیت بی نامی یا ناشناختگی که به صورت پول الکترونیکی درآمده، رد و بدل کند.

این پول ها می تواند در خرید پول های خارجی یا کالاهای با ارزش مورد استفاده قرار گیرد تا اینکه دوباره فروخته شود و به این ترتیب از پول الکترونیکی جهت جایگزین شدن پول کثیف استفاده می شود. با این امکانات، دیگر پولشو نیاز به قاچاق پول یا هرگونه تراکنش چهره به چهره نخواهد داشت؛ زیرا به راحتی می تواند درآمدهای مجرمانه اش را به شکل پول الکترونیکی درآورده و از مرز منتقل سازد یا با آن ها کالاهای لوکس و ارزهای خارجی خریداری کند. بدین ترتیب مهم ترین امتیاز این روش در پولشویی الکترونیکی نسبت به روش های سنتی، حذف تراکنش های چهره به چهره و اختفای هویت است در این مرحله مجرم سعی می کند تا پول را از منشأ اصلی اش جدا کند. او می تواند به سادگی این کار را به وسیله انتقال پول از طریق شماره حساب در بانک های مختلف به منظور خرید ظاهری کالاها جهت فروش مجدد یا از طریق شرکت های برون مرزی^۳ که در نظام های حقوقی مختلف قرار دارند، انجام دهد. در صورتی که به افراد اجازه داده شود به صورت اینترنتی افتتاح حساب کنند، بدون نیاز به ارائه مدارک و اسناد هویتی واقعی آنان، این مرحله می تواند ساده تر انجام گیرد.

کاملاً واضح است که ریسک این سازوکارها در روش سنتی بسیار بالا است. اما در پولشویی به روش الکترونیکی یک راه ساده این است که پولشو با ایجاد یک شرکت پوششی که قرار است ظاهراً خدماتی را ارائه کند، مانند فراهم کنندگان خدمات اینترنتی، یک حساب بانکی افتتاح می کند. پولشو حتی ملزم نیست تا خدماتی را هم ارائه دهد. در مقابل، او از این شرکت به عنوان یک پوشش استفاده می کند تا این طور وانمود شود که خدماتی که فراهم می گردد در عوض پرداخت وجوهی است که این وجوه (در حقیقت) منشأ مجرمانه داشته و از مرحله دوم (مرحله طبقه بندی و لایه لایه کردن) نیز گذشته است.

بررسی مقایسه ای مراحل پولشویی سنتی و مدرن این نتایج را به دنبال دارد:

۱) عدم نیاز به طی مراحل سه گانه جهت تطهیر اموال نامشروع، ۲) عدم نیاز به ارتکاب جرائم دیگری نظیر جعل، قتل، تهدید و یا حتی تطمیع کارمندان مؤسسات مالی و بانک ها، ۳) رسیدن به بیشترین منفعت در کمترین زمان ممکن و با کم ترین هزینه، ۴) تهدید رعایت حریم خصوصی کاربران شبکه ای و امکان سوءاستفاده از سوی پولشو، ۵) امکان اختفای هویت و عدم احراز هویت مشتری که موجب موفقیت پولشویان می گردد؛ زیرا به لحاظ عدم تعامل چهره به چهره در تراکنش های الکترونیکی ممکن است کاربر غیر از فردی باشد که حساب را باز کرده، ۶) امکان بالقوه شکستن مرزهای ملی و دشواری تعیین مکان جرم پولشویی و مرتکب آن و تأثیر این امر صلاحیت کیفری کشورها.

پولشویی سنتی و مدرن به رغم وجوه اشتراکی که با هم دارند، از جمله اهداف مشترک، استفاده از عاملین پوشش و استفاده از مؤسسات مالی و بانک ها... تنها تفاوتشان در روش های ارتکاب این جرم است؛ به این

^۳ -off shore companies

معنا که استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی، ارتکاب پولشویی را بسیار ساده کرده و ریسک آن را در مقایسه با پولشویی سنتی کاهش داده است.

عملیاتی که امروزه به عنوان پولشویی شناخته می‌شود سابقه طولانی دارد؛ چنان‌که به نظر برخی از محققان: «هیچ‌کس نمی‌تواند واقعاً یقین داشته باشد که پولشویی اول‌بار چه زمانی شروع شده است. به هر حال ما می‌توانیم مطمئن باشیم که این عمل طی چندین هزار سال اتفاق می‌افتاده است و پولشویی به هر حال، جرم پولشویی امروزه در سطح بین‌المللی به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته و در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی جرم‌انگاری شده است که در قسمت‌های بعد به بعضی از این اسناد اشاره خواهد شد.

در حقوق ایران نیز علاوه بر وجود اصل ۴۹ قانون اساسی که دولت را موظف به ضبط و مصادره و استرداد ثروت‌های نامشروع کرده است و جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای عملیات پولشویی، و با توجه به آثار زیان‌باری که این پدیده برجسته‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به‌جای می‌گذارد، تردیدی در لزوم جرم‌انگاشتن و تعیین مجازات برای این پدیده باقی نمی‌ماند.

مستندات جرم‌انگاری پولشویی به دو بخش تقسیم می‌شود: الف- مستندات بین‌المللی و منطقه‌ای؛ ب- مستندات داخلی در دهه‌های اخیر در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد و مهمی اقدام به جرم‌انگاشتن پولشویی شده است و مستندات جرم‌انگاری پولشویی در ایران به مستندات فقهی و مستندات حقوقی تقسیم می‌شود.

۱. مستندات فقهی موجود در این‌باره، آیاتی از قرآن کریم و نیز روش برخورد امام علی (ع) با اموال نامشروع است.

۲. منظور از مستندات حقوقی در مورد پولشویی، بررسی متن «قانونی» و به عبارت دیگر، «عنصر قانونی» پولشویی نیست؛ زیرا صرف نظر از فقدان چنین متنی در حقوق ایران، در صورتی که چنین قانونی وجود داشت، دیگر نیازی به جست و جوی «مستند حقوقی» برای آن نبود. بنابراین مقصود از این عبارت، یافتن زمینه و بسترهایی است که بتواند در جهت جرم‌انگاری پولشویی مورد استفاده قرار گیرد.

در ایران نیز قبل از تصویب قانون مبارزه با پولشویی قوانینی در خصوص جلوگیری از ارتکاب به این جرم وجود داشت اما کافی نبوده و به دنبال گسترش اقدامات جهانی برای مبارزه با پولشویی، در اواخر دهه هفتاد شمسی، بانک‌های کشور با موج در خواست بانک‌های کارگزار بین‌المللی برای ارائه خط مشی و دستورالعمل مبارزه با پولشویی مواجه شدند، واژه‌ای که در آن زمان بانک‌های کشور کمتر با آن آشنا بودند. عدم وجود خط مشی و دستورالعمل در این رابطه، حیات بانک‌داری بین‌المللی کشور را با تهدید مواجه می‌ساخت و لذا بانک مرکزی ج.ا.ا.، اقدام به تدوین مقررات پیشگیری از پولشویی در موسسات مالی و تصویب آن در شورای پول و اعتبار

نمود و در ماده ۷ آن کلیه بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی را مکلف به تدوین دستورالعمل نظام بانکی کشور نمود. از آنجا که بانک ها راسا اقدامی در این خصوص به انجام نرساندند و با توجه به عدم وجود تجربه و آموزش چنین امکانی نیز برای آنها وجود نداشت، بانک مرکزی ج.ا.ا، دستورالعمل مقررات پیش گیری از پولشویی در موسسات مالی را نیز تنظیم و اواخر سال ۱۳۸۱، آن را به شبکه بانکی کشور ابلاغ نمود. در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۲۷ هیئت وزیران نیز لایحه مبارزه با پولشویی را تصویب و برای طی مراحل قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نمود. لیکن تصویب این لایحه در مجلس با وقفه ای طولانی مواجه شد، به طوری که این لایحه در دو دوره مجلس در دستور کار قرار داشت. اقدامات جدی تر از سوی مقامات ذیربط برای مبارزه با پولشویی در ایران صورت گرفت و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۷، قانون مبارزه با پولشویی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ نیز آیین نامه مستند سازی جریان وجوه در کشور به تصویب هیات دولت رسید.

معنای لغوی واصطلاحی پولشویی در حقوق ایران

با توجه به موضوع این تحقیق پس از تعاریف ابتدایی در این خصوص به تعریف پولشویی در ایران پرداخته تا با توجه به تعاریف بتوان به نتایج در این مورد دست یافت.

معنای لغوی پول شویی

پس از شناسایی و تعاریف در مورد پول کثیف حال می توان به تعریف پولشویی پرداخت که متشکل از پول و مصدر شستشو که شستن است و پولشویی و یا تطهیر پول در زبان فارسی به معنای پاک کردن، غسل دادن، آب کشیدن میباشد و در منبع دیگر پاکیزه ساختن با اب می باشد (همان) و پول نیز وسیله دادوستد است زر و سیم یا فلز دیگر مسکوک رائج. (دهخدا، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳)

پولشویی به صورت مرکب در فرهنگ لغت ها یافت نمی گردد که به همین دلیل ما در این تحقیق به تجزیه ان پرداخته و تعاریف لغوی این دو کلمه شستن و پول را از فرهنگ لغت های مختلف استخراج نموده ایم.

پولشویی در اصطلاح

پولشویی یا تطهیر درآمد ناشی از جرم یا پاک نمایی اموال ناشی از جرم اصطلاحاتی هستند که در جهت تبیین و بیان این فرایند بکار برده می شوند. و استفاده از پولشویی به جای تطهیر درآمد ناشی از جرم مناسب تر است زیرا تطهیر به معنای پاک کردن دارای بار ادبی مثبت است و پدیده مجرمانه مورد نظر باید با تعبیری بیان شود که این

بار را نداشته باشد (شهرباری، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۳) منظور از «تطهیر مال»، مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنها به اموال پاک است، به گونه‌ای که یافتن منبع اصلی مال غیرممکن یا دشوار گردد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۲).

ماده ۱ لایه مصوب ۲۷ شهریور ۱۳۸۱ مقرر می‌دارد:

جرم پول‌شویی عبارت است از: هرگونه تبدیل یا تغییر یا نقل و انتقال یا پذیرش یا تملک دارایی با منشأ غیرقانونی، به طور عمدی و یا علم به آن برای قانونی جلوه دادن دارایی یاد شده.

در تعریفی دیگر از «پول‌شویی» آمده است:

پول‌شویی روی دیگر یا نیم‌رخ مالی فعالیت‌های بزه‌کارانه و فریبنده مجرمانه است که طی آن درآمدهای حاصل از فعالیت‌های مجرمانه و غیرقانونی طی روندی در مجاری قانونی تطهیر و پاک می‌شود. (کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر، وفاق، ۱۳۸۲، ص ۷۶).

به عبارت دیگر، «پول‌شویی» فرایندی است که طی آن منبع اصلی درآمدهای حاصل از اعمال مجرمانه مخفی نگه داشته شده و به این درآمدها جلوه‌ای پاک و حاصل از اعمال قانونی بخشیده شود. (موسوی مقدم، ۱۳۸۱، ص ۳۰)

صرف‌نظر از تفاوت‌های موجود در تعریف‌های مذکور، که متأثر از سیاست‌های جنایی متفاوت هستند و صرف‌نظر از اینکه درآمدهای ناشی از جرم را موضوع پول‌شویی بدانیم یا درآمدهای حاصل از اعمال نامشروع و غیرقانونی و صرف‌نظر از اینکه آنچه که مورد تطهیر قرار می‌گیرد، پول نقد باشد یا هر چیز دارای ارزش مالی، وجوه مشترک تعاریف مذکور را می‌توان این موارد دانست: حصول درآمد از یک فعل یا ترک فعل مجرمانه یا غیرقانونی، دست زدن به فعل و انفعالاتی برای پنهان کردن منبع درآمدهای مذکور، و علم مرتکب نسبت به منبع درآمدهاست.

به عبارت دیگر یک فعالیت غیر قانونی است که طی انجام آن عواید و درآمدهای ناشی از فعالیت‌های غیر قانونی به نحوی، ظاهری قانونی به خود بگیرد، به عبارت دیگر پول‌های کثیف ناشی از اعمال خلاف به پول به ظاهر تمیز تبدیل

گشته و به چرخه اقتصاد رسمی وارد می شود پولشویی فعالیت مجرمانه، در مقیاس بزرگ، گروهی، مستمر و درازمدت است که ممکن است از مرزهای جغرافیایی کشور مفروض نیز فراتر رود.^۴ (رهبر و میرزاوند، ص ۲)

و این عملیات یک روش معمول برای کسب سود از فعالیتهای غیر قانونی توسط مجرمان است اعمال خلاف قانون که باعث ایجاد درآمد برای گروههای سازمان یافته جنایی می شود طیف وسیعی از فعالیتهای قاچاق مواد مخدر، تقلبات، ادم ربایی و جاسوسی و همچنین تقلبات اینترنتی و قاچاق کالا را در بر می گیرد (مدنی اصفهانی ملک عبدالرضا پولشویی و راههای مبارزه با آن اداره مطالعات بانک رفاه سایت اینترنتی)

بر اساس ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی ایران که در سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید جرم پولشویی اینگونه تعریف شده است :

۱. تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت های غیر قانونی با علم به اینکه به طور مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد .

۲. تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشا غیر قانونی آن با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول اثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد .

۳. اخفا یا پنهان کردن ماهیت واقعی، منشا، منبع، محل، نقل و انتقالات، جابجایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

جرم انگاری پولشویی

تاریخچه و ضرورت جرم پولشویی و جرم انگاری و ایرادات وارد بر آن و مستندات جرم انگاری پولشویی نیز در ایران و بین الملل پرداخته شده است.

تاریخچه

عملیاتی که امروزه به عنوان پولشویی شناخته می شود سابقه طولانی دارد؛ چنان که به نظر برخی از محققان: «هیچ کس نمی تواند واقعاً یقین داشته باشد که پولشویی اول بار چه زمانی شروع شده است. به هر حال ما می توانیم مطمئن باشیم که این عمل طی چند هزار سال اتفاق می افتاده است. در چین بعضی از بازرگانان حدود ۲۰۰۰ سال

^۴ - فرهاد رهبر و میرزاوند، پولشویی و روشهای مقابله با آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲

قبل از میلاد مسیح اموالشان را از دید حاکمانی که آن اموال را از آنان گرفته و آن‌ها را تبعید می‌کردند، مخفی می‌نمودند. علاوه بر اخفای دارایی، آن‌ها می‌بایست اموال را منتقل کرده و در مشاغلی در بیرون از ایالات و حتی بیرون از چین سرمایه‌گذاری می‌کردند. به این ترتیب ارکان پول‌شویی، اخفا، جابه‌جایی و سرمایه‌گذاری مال بوده است به گونه‌ای که ظاهراً شخص دیگری غیر از تحصیل‌کننده مال مدعی آن اموال گردد؛^۵

با وجود این، محققان دیگری معتقداند: «واژه پول‌شویی نشأت گرفته از مالکیت مافیابرشست و شوخانه‌ها در ایالات متحده است. گنگسترهایی بودند که مبالغ کلانی پول نقد از طریق اخاذی، فحشا، قماربازی و قاچاق مشروبات الکلی به دست می‌آوردند. آن‌ها ناگزیر بودند منبعی قانونی برای این پول‌ها ترسیم نمایند. یکی از روش‌هایی که آن‌ها از طریق آن قادر بودند این کار را انجام دهند سرمایه‌گذاری در مشاغل قانونی در خارج از کشور و آمیختن درآمدهای نامشروع با درآمدهای مشروعی بود که از این راه به دست می‌آوردند. شست‌وشوخانه‌ها توسط این گنگسترها انتخاب شده بود چون آن‌ها مشاغل نقدی بودند و این یک فرصت مناسب برای افرادی هم‌چون آل‌کاپون بود که آن‌ها را خریده بودند»؛

برخی از نویسندگان نیز رواج این واژه را به زمان رسوایی واتر گیت در اواسط دهه هفتاد و به هنگام ریاست جمهوری نیکسون بر آمریکا مرتبط نموده و معتقداند از لحاظ حقوقی استفاده از این واژه اولین بار در یک دعوی آمریکایی در سال ۱۹۸۲ صورت گرفته است. (مراد حیدری، شهریور ۱۳۸۲، صفحه ۱۳۵)

به هر حال، جرم پول‌شویی امروزه در سطح بین‌المللی به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته و در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی جرم انگاری شده است. در حقوق ایران نیز علاوه بر وجود اصل ۴۹ قانون اساسی که دولت را موظف به ضبط و مصادره و استرداد ثروت‌های نامشروع کرده است و همچنین وجود قوانین پراکنده‌ای در مورد مصادره عواید مجرمانه، در سال ۱۳۷۰ «قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که در ماده ۳ این کنوانسیون شست‌وشوی عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر جرم شناخته شده است و مطابق ماده ۹ قانون مدنی ایران: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دولت‌ها منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

ضرورت جرم انگاری پول‌شویی

عملیات قانونی جلوه دادن درآمدهای غیر قانونی یا به عبارت دیگر، «پول‌شویی» در صورتی که با موفقیت روبه‌رو شود، آثار منفی فراوانی در زمینه‌های اقتصاد، امنیت، تعادل سیاسی و حتی دستگاه عدالت قضایی به جای می‌گذارد. بنابراین برای جلوگیری از این عملیات باید راه‌کارهایی را در پیش گرفت. از جمله این راه‌کارها می‌توان به بالا

^۵ -Countermoney Laundering. Com poB. htm

بردن هزینه ارتکاب جرم در مقابل سود ناشی از ارتکاب جرم اشاره نمود. بدیهی است بیش تر مجرمینی که دست به ارتکاب جرایم سودآور می زنند مجرمین حساب گری هستند که با محاسبه هزینه ارتکاب جرم نظیر خطر کشف جرم، دستگیری، تعقیب و نوع و میزان مجازات از یک سو و محاسبه سود ناشی از ارتکاب جرم از سوی دیگر، یکی از دو راه ارتکاب جرم یا صرف نظر کردن از آن را انتخاب می کنند. از سوی دیگر، جرم انگاری و تعیین کیفر برای عمل غیر قانونی، هزینه ارتکاب آن عمل را تا حد زیادی افزایش می دهد؛ زیرا اگر در برابر یک عمل غیر قانونی، پاسخ غیر کیفری باشد هزینه ارتکاب جرم چندان بالا نیست ولی چنانچه واکنش در برابر آن عمل، کیفری و به صورت مجازات باشد هزینه ارتکاب جرم بالاتر می رود. بنابراین مسئله جرم انگاری یک عمل غیر قانونی عامل مهمی برای مقابله با آن محسوب می گردد و جرم انگاری پول شویی نیز از این قاعده مستثنا نمی باشد. بحث جرم انگاری پول شویی از این زاویه نیز قابل توجه است که عملیات پول شویی سبب منتفع شدن و نتیجه گرفتن مجرمین و سازمان های تبهکار از جرایم سودآور خویش گشته و باعث ادامه یافتن و تکرار فعالیت مجرمانه می گردد. بنابراین از طریق جرم انگاشتن این عمل می توان با محروم نمودن مجرمین از عواید مجرمانه، انگیزه ارتکاب فعالیت های تبهکارانه را از آنان سلب نمود.

در مورد ضرورت تدوین قانون ضد پول شویی و تعیین مجازات برای عملیات پول شویی نظریه های متعددی وجود دارد:

طبق یک نظر، مجازاتی که برای جرایم منشأ مانند اختلاس، ارتشا، قاچاق و... در نظر گرفته می شود کافی است. مطابق این نظر، این امر که مجرم با درآمدها و امکانات به دست آمده از جرم منشأ، مرتکب جرم دیگری به نام پول شویی می شود پذیرفته نیست؛ چون بر اساس این دیدگاه، جرم پول شویی تداوم جرم اولیه است که مجرم برای گریز از مجازات به آن دست می زند.

بر اساس دیدگاه دیگری، جرم پول شویی شکلی از معاونت و تسهیل در امر جرم منشأ است. بر اساس این نظریه اشخاصی مجازات می شوند که قصد پنهان کردن منبع نامشروع مال یا اخلال در تحقیق و رسیدگی در مورد منبع، ضبط، مصادره یا توقیف درآمد حاصل از جرم را دارند. دیدگاه دیگری که می توان آنرا دیدگاه غالب دانست، معتقد است هر گونه معامله روی اموال یا دارایی ها با آگاهی از این که مال مورد نظر از فعالیت های مجرمانه به دست آمده، برای تحقق جرم پول شویی کافی است. (مینا جزایری، ۱۳۸۲)

با توجه به مطالب بالا و به رغم اختلاف نظر محققان در مورد جرم انگاری و تعیین مجازات برای عملیات پول شویی، و با توجه به آثار زیان باری که این پدیده برجسته های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به جای می گذارد، تردیدی در لزوم جرم انگاشتن و تعیین مجازات برای این پدیده باقی نمی ماند. با وجود این، ایرادهایی

بر جرم انگاشتن پول شویی در نظام حقوقی داخلی وارد است که باید مورد توجه قرار گرفته و مبانی و مستندات - به خصوص مستندات فقهی - آن بررسی گردد.

ایرادهای وارد بر جرم انگاری پول شویی

در ابتدای امر چنین به نظر می رسد که جرم انگاشتن عملیات پول شویی در نظام حقوقی کشور ما با ایرادهایی روبه رو بوده و با برخی از اصول حقوقی و قواعد فقهی هم چون قاعده ید، قاعده سوق و قاعده صحّت در تعارض می باشد.

قاعده ید

مفهوم اماره ید تسلط و استیلائی عرفی داشتن بر چیزی است به صورتی که ذوالید متصرف بتواند هرگونه تصرفی در آن بنماید و از تجاوز دیگران بر آن جلوگیری نماید جز آن چه که قانون به آن تصریح کرده باشد؛^۶ به عبارت دیگر، مفاد قاعده ید این است که استیلا و سلطه یک فرد بر یک شیء اثبات کننده مالکیت آن شخص است. طبع اصلی و اولیّه تسلط انسان بر شیء نشانه مالکیت شخص و مملوکیت شیء است مگر آن که خلاف آن ثابت شود؛ (محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۳۲). این قاعده در احادیث اسلامی با این عبارت بیان شده است: «من استولی علی شیء فهو اولی به»؛ (حرعاملی، بی تا، ص ۲۱۵) در ماده ۳۵ قانون مدنی نیز مقرر شده است: «تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر این که خلاف آن ثابت شود». شکل ارتباط این قاعده با موضوع بحث یعنی جرم انگاشتن پول شویی به این صورت است که اگر کسی مالی را در تصرف خود داشته باشد فرض بر این است که متعلق به خود او است و این تصرف اماره مالکیت شخص مزبور بر آن شیء است و او به استناد ماده ۳۰ قانون مدنی که مقرر می دارد: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد»، می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن مال انجام دهد؛ به عنوان مثال، اگر کسی مبلغی پول یا شیئی گران قیمتی در اختیار داشته باشد، این استیلا و سلطه به وی اجازه می دهد که مثلاً آن پول را به حساب بانکی واریز کرده یا با آن کالاهایی بخرد یا آن را به حساب دیگری در نقطه ای دیگر منتقل نماید و یا این که شیء گران قیمت را به فروش رسانده یا آن را هبه نموده یا عمل دیگری با آن انجام دهد، البته در صورتی که مشمول ذیل ماده ۳۵ که مقرر می دارد: «مگر این که خلاف آن ثابت شود»، نگردد. ماده ۳۶ قانون مدنی که مکمل ماده ۳۵ این قانون است مقرر می دارد: «تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده معتبر نخواهد بود». در تفسیر این ماده برخی از محققان نوشته اند: «به موجب ماده فوق در مقام تنازع، بر شخص متصرف لازم نیست که منشأ و مبدأ مالکیت خویش را اثبات کند بلکه مدعی چنان چه با ادله کافی در دادگاه ثابت کند که تصرف ذوالید ناشی از سبب مملک یا ناقل

۶ - احمد محمدی، بررسی راهکارهای مبارزه با تطهیر پول در اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی حقوق جزا، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۰، ص

قانونی نبوده است ید از ارزش و اعتبار ساقط خواهد شد»؛ (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۷۰). با این توضیح، چنان‌که اشاره شد، اگر شخصی مالی را در تصرف خود داشته باشد اماره‌ای است بر این‌که آن مال متعلق به خود او است و بنابراین می‌تواند هرگونه تصرفی که مایل باشد اعم از انتقال، معامله، هبه و... نسبت به آن انجام دهد و کسی نباید معترض او شده و مانع این حق قانونی گردد. با این حال، همان‌گونه که بعضی از محققین خاطر نشان کرده‌اند، «قانون مدنی غایت اماریت ید را تا اثبات خلاف آن دانسته است. مدلول این نکته همان است که... مفاد قاعده ید... چنان‌چه بینه با آن به معارضه برخیزد بی‌شک مغلوب خواهد شد و این همان منظور قانون مدنی است که می‌گوید: «مگر خلاف آن ثابت شود»؛ (همان).

قاعده سوق

یکی دیگر از قواعدی که جرم انگاشتن عملیات پول‌شویی را دچار مشکل می‌سازد قاعده‌ای است که در لسان فقهی ما تحت عنوان «قاعده سوق» از آن یاد می‌شود. مفهوم این قاعده به طور خلاصه این است که اجناس و کالاهایی که در بازار مسلمانان وجود دارد و نقل و انتقالاتی که در آن‌جا صورت می‌گیرد اصل بر صحت این اعمال و حلیت و طهارت آن اجناس است. بنابراین اگر کسی وارد بازار مسلمانان گردد می‌تواند بدون جست‌وجو و تحقیق از مبنای مالکیت و طهارت آن اموال، آن‌ها را مورد خرید و فروش و استفاده قرار دهد؛ (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، جلد ۴، ص ۱۵۵).

«لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق». (حر عاملی، بی تا، جلد ۱۸، ص ۲۱۵) در توضیح این حدیث برخی از محققین بیان داشته‌اند: «ظاهر این عبارت دال بر این است که اعتنا و توجه به برخی احتمالات - یعنی احتمال عدم طهارت در گوشت‌ها و پوست‌ها (و بقیه خوراکی‌ها و پوشیدنی‌ها) و احتمال این‌که مال متعلق به غیر باشد یا مال مسروقه بوده یا از طریق غصب حاصل شده باشد - موجب تعطیل بازارها و اختلال در معاملات مسلمانان می‌گردد که این امری است که نزد شارع غیر قابل قبول بوده و عدم اعتماد به بازارهای مسلمانان و ترتیب اثر دادن به این احتمالات نزد شارع منفور است؛ (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، جلد ۴، ص ۱۵۶). مطابق این قاعده اگر در بازارهای مالی مسلمانان، اعم از بازارهای معاملات نقدی، بازار بورس، بانک‌ها و مؤسسات مالی و غیره معاملات و نقل و انتقال‌هایی انجام بگیرد اصل بر این است که مجموع این فعل و انفعالات صحیح و معتبر است و تحقیق و جست‌وجو از منشأ و منبع مالکیت آن اموال لازم نیست و ممنوع نمودن برخی از این مبادلات به احتمال این‌که این اموال از جرایم مقدمی ناشی شده است باعث بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی بازار مسلمین می‌گردد.

قاعده صحت

این قاعده در لسان فقهی ما به نام‌های قاعده صحت، اصل صحت و اصالة الصحة به کار رفته است؛ (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۸). در تعریف این قاعده گفته‌اند: صحت در برابر فساد و بطلان است و نزد فقها صحت بدین معنا

عبارت است از داشتن اثر مورد نظر مثل این که بیع موجب نقل و انتقال ثمن و مبیع شود و نکاح موجب به وجود آمدن رابطه زناشویی»؛ (همان ۲۴۵). در مورد اعتبار این قاعده نیز چنین گفته‌اند: «اصالت صحت فعل غیر، اجمالاً از اصولی است که مورد اجماع فتوایی و عملی بین مسلمانان است». (انصاری، ۱۳۷۴ه ق، ص ۷۱۷). (و حتی برخی معتقدند: «این اجماع منحصر به مسلمانان به اعتبار مسلمان بودنشان نیست، بلکه محور امور عقلا - با وجود اختلاف آن‌ها در آراء، مذاهب و عاداتشان - در همه زمان‌ها و عصرها بر این قرار گرفته است. به عنوان مثال برای قاعده صحت می توان گفت: «هرگاه ملکی به فروش رفته و پس از آن یکی از طرفین مدعی صوری بودن معامله یا نامشروع بودن جهت معامله شود، اصل بر صحت معامله است تا هنگامی که مدعی بطلان، ادعای خود را ثابت کند»؛ (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹). در مورد ضرورت پذیرش این قاعده نیز گفته‌اند: «این اصل مبتنی بر مصالح مسلمین است؛ زیرا چنانچه در زندگی روزمره اصل را بر فساد قرار دهیم و در کلیه اعمال و افعال مردم تفحص و تجسس کنیم و با هر پدیده‌ای با شک و تردید مواجه شویم، قوام و استقرار نظام مدنیت از بین می‌رود و در کار روزمره مردم اشکالات کلی بروز می‌کند. اسلام برای جلوگیری از این مفسد به مسلمین حکم می‌کند اعمال مردم را در وهله اول و مادام که خلافش با ادله به اثبات نرسیده باید محمول و محکوم به صحت و حلیت و مشروعیت بدانند»؛ (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱).

با توجه به توضیحات ذکر شده، چگونگی ارتباط این قاعده با جرم‌انگاری پول‌شویی روشن‌تر می‌گردد؛ زیرا طبق این قاعده، مبادلات، نقل و انتقالات و فعالیت‌های مالی و تجاری اشخاص را باید بر صحت و مشروعیت حمل نموده و نباید جز در مواردی که دلایل کافی وقانع کننده‌ای وجود داشته باشد، در مورد منبع، مالکیت و دیگر اوصاف اموال مورد معامله تفحص و تجسس نمود. بنابراین در صورت ظن نسبت به فساد و عدم مشروعیت معاملات و نقل و انتقالات، اشخاص مظنون از حمایت این اصل برخوردار می‌باشند.

قانون مبارزه با پولشویی: خلأها و چالش‌ها

اصولاً اولین گام مؤثر در راستای تقویت و بهبود یک نظام حقوقی، شناسایی چالش‌ها و خلأها از طریق انجام کارشناسی دقیق می‌باشد، زیرا بدون شناخت نواقص و کاستی‌ها اعمال راهکارهای جدید نه تنها فاقد توجیه می‌باشد،

بلکه مؤثر و مفید هم نخواهد بود. نظام قانونی حاکم بر فرایند مبارزه با پدیده پولشویی در ایران از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. آنچه در این فصل مطرح می‌گردد تمام کمبودهای نظام حقوقی حاکم بر فرایند مبارزه با جرم پولشویی در ایران محسوب نمی‌گردد، بلکه تلاش می‌شود تا چالش‌های عمده در این زمینه از منظر حقوق کیفری مورد بررسی قرارگیرد. همان‌طور که سابقاً بیان گردید، جرم‌انگاری عمل پولشویی در نظام حقوق کیفری ایران قدمت چندانی ندارد و تا قبل از تصویب قانون مبارزه با پولشویی در سال ۱۳۸۹، نظام قضایی ج.ا.ایران در

خصوص نحوه برخورد و مجازات مرتکبین پولشویی دچار سردرگمی و بعضاً صدور آراء متناقض بود، لازم به ذکر است که با وجود پیوستن ج.ا.ایران به کنوانسیون وین مصوب سال ۱۹۸۸ میلادی در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان و ضرورت جرم انگاری تطهیر اموال ناشی از ارتکاب قاچاق مواد مخدر و تاکید مجدد این موضوع توسط کنوانسیون پالمو علیه جرایم سازمان یافته (مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی)، اقدام قانونی به منظور جرم انگاری پولشویی از سوی محافل قانون گذاری ایران، سال ها در هاله ای از ابهام قرار داشت. از آخرین روزهای شهریور ماه سال ۱۳۸۱ که خبر تصویب لایحه مبارزه با پولشویی در هیأت وزیران و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی اعلام گردید، بیش از پنج سال گذشته است؛ در حالی که گروهی بر این اعتقاد بودند که جرم انگاری عملی تحت عنوان پولشویی فاقد مبنای عملی و نظری می باشد (موسوی مقدم، ۱۳۸۹)

لایحه مبارزه با جرم پولشویی پس از چندین بار رد و بدل بین مجلس و شورای نگهبان، در نهایت به دلیل عدم حصول توافق میان این دو نهاد، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردید که مجمع تشخیص نیز پس از حدود یک سال بحث و بررسی نتوانست به نتیجه نهایی و مورد قبول دو طرف برسد و لایحه مذکور را مجدداً به مجلس شورای اسلامی ارجاع نمود تا نمایندگان ملت با بررسی چندین باره آن، بتوانند به اصلاحاتی که مورد نظر شورای نگهبان است، دست پیدا کنند. سرانجام با بررسی دوباره، توسط نمایندگان و اعمال پاره ای از اصلاحات جدید، لایحه مبارزه با جرم پولشویی در جلسه مورخ دوم بهمن ماه ۱۳۸۶، به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس در تاریخ ۱۷/۱۱/۱۳۸۹ مهر تأیید شورای نگهبان را دریافت و لازم الاجرا گردید. بیان تاریخچه فوق الذکر از روند تصویب قانون مبارزه با پولشویی از این حیث حائز اهمیت می باشد که به طور واضح بیانگر این واقعیت است که در وهله اول وضع یا عدم وضع قانونی خاص به منظور جرم انگاری پدیده پولشویی، خود به چالش قابل توجه در محافل و نهادهای قانون گذاری ایران تبدیل شده بود. حال این پرسش مطرح می گردد که چرا اساساً وضع قانون مبارزه با پولشویی باید این گونه دچار فراز و نشیب گردد و حتی نفس جرم انگاری عمل پولشویی زیر سؤال رود؛ در حالی که مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان سال ها قبل الحاق ایران به کنوانسیون وین در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان را به تصویب رسانده بودند؟

با توجه به مقدمه بالا و در راستای شناخت خلأهای موجود در قانون مبارزه با پولشویی و دیگر قوانین مرتبط و همچنین بیان چالش های آتی با توجه به روند رو به رشد اقتصاد ایران و رونق گرفتن فرایند خصوصی سازی، می توان به کاستی ها و کمبودهای ذیل به عنوان پاره ای از خلأهای موجود در نظام قانونی حاکم بر جرم پولشویی در ایران اشاره نمود:

عدم جامعیت و مانعیت قانون مبارزه با پولشویی

قانون مبارزه با پولشویی که در حال حاضر سنگ بنای مقابله با پدیده شوم پولشویی در ایران محسوب می گردد که در ۲ صفحه - مشتمل بر ۱۲ ماده - تنظیم گردیده است. این در حالی است که قوانین مشابه آن در دیگر کشورها از جمله انگلستان، سنگاپور و ایالات متحده آمریکا، حاوی مقررات و احکام مفصل تری می باشند. قانون مذکور به قدری مجمل و مختصر تهیه و تدوین شده است که نسبت به بسیاری از مسائل کلیدی مرتبط با جرم پولشویی سکوت اختیار نموده است.

به عنوان مثال قوانین پولشویی دیگر کشورها (مثلا سنگاپور) در ارتباط با نحوه و چگونگی افشای اطلاعات مربوط به جرایم پولشویی حاوی احکام دقیقی می باشند، حال آنکه قانون مبارزه با پولشویی ج.ا.ایران در این خصوص فاقد احکام لازم است. قانون پولشویی سنگاپور مقرر می نماید، چنانچه شخصی اطلاعاتی در خصوص انجام معاملات یا عملیات های مالی مشکوک به پولشویی داشته باشد و اطلاعات موصوف را در اختیار مقامات ذی صلاح قضایی قرار دهد، نه تنها مرتکب جرم افشای اطلاعات محرمانه نگردیده است، بلکه طرح دعوی خسارت علیه شخص مزبور مسموع نخواهد بود. " درج یک چنین مقرره ای در راستای اعمال حمایت های قانونی از اشخاصی می باشد که به منظور اجرای قانون مبنی بر گزارش موارد مشکوک به پولشویی اقدام می نمایند. وجود احکامی از این قبیل باعث جلب اعتماد اقشار مختلف مردم و اجرای مؤثر تر قانون خواهد گردید. با توجه به اینکه قانون مبارزه با پولشویی اشخاص و سازمان ها را مکلف به گزارش نمودن موارد مشکوک به پولشویی نموده است و از سوی دیگر این قانون فاقد حمایت های لازم از اشخاص در خصوص افشای اطلاعات مرتبط با جرایم پولشویی می باشد، چگونه می توان از مردم انتظار داشت که با مأمورین انتظامی و دستگاه قضایی کشور به منظور اجرای تکلیف قانونی مبنی بر گزارش نمودن موارد مشکوک به پولشویی همکاری و مساعدت داشته باشند؟

علاوه بر این، قانون مبارزه با پولشویی فاقد مانعیت نیز می باشد، چرا که ماده ۴ قانون مزبور به گونه ای نگارش شده است که تطهیر عواید حاصل از کلیه جرایم حتی جرایم کوچک و جزئی نیز مصداق پولشویی خواهد بود؛ زیرا در کنوانسیون وین مصوب سال ۱۹۸۸ میلادی در سال ۱۳۷۰ شمسی طی یک ماده واحده به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان رسید و هم اکنون بر اساس ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون است

ماده ۳ کنوانسیون مذکور کلیه کشورهای عضو را مکلف به جرم انگاری عمل پولشویی بر اساس قوانین داخلی خود می نماید که این موضوع به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسیده است. با توجه به این موضوع، این سؤال مطرح می شود که اگر طرح عنوانی به نام پولشویی فاقد مینا و وجاهت شرعی می باشد، پس چرا شورای محترم نگهبان در سال ۱۳۷۰ کنوانسیون وین را که حاوی تکلیف دول عضو به جرم انگاری عمل پول شویی می باشد را مورد تصویب قرار داده است؟

بندهای مختلف این ماده ذکر گردیده است "عواید حاصل از جرم" که از اطلاق عبارت می توان استنباط نمود که مراد مقنن کلیه جرایم می باشد.

در قوانین پولشویی سایر کشورها از جمله سنگاپور، انگلستان و آمریکا) عمدتاً تطهیر عواید ناشی از ارتکاب جرایم شدید و سازمان یافته از مصادیق جرم پولشویی محسوب می گردد، به عبارت دیگر جرایم مقدم جرم پولشویی باید از نوع شدید و سازمان یافته باشد؛ به همین منظور معمولاً قوانین مذکور حاوی ضمیمه‌های مرتبط با تعیین جرایم مقدم پولشویی خواهد بود که در آن به نوع جرایم اشاره گردیده است. بنیان فکری یک چنین نگرشی در این واقعیت عملی نهفته است که اصولاً فلسفه جرم انگاری پولشویی به منظور مبارزه با مفاسد و جرایم اقتصادی کلان یا به عبارت گویاتر گرفتار نمودن مجرمین یقه سفید می باشد. زیرا جرایم اقتصادی کلان سرشار از منافع مالی بوده و تجمع عواید حاصله خطر ساز می باشد؛ از این رو مرتکبین جرایم موصوف به منظور پرهیز از گرفتاری در چنگال قانون مبادرت تطهیر منافع و عواید حاصله و از بین بردن منشأ آنها می نمایند. فلذا چنانچه به موجب قانون، تطهیر عواید حاصل از کلیه جرایم از شدید تا خفیف، پولشویی تلقی گردد، در عمل باعث می شود تا تعداد و حجم پرونده های مطروحه در سیستم قضایی به قدری بالا رود که هدف قانون یعنی مبارزه با جرایم و مفاسد اقتصادی کلان در حاشیه قرار گیرد. زیرا در چنین وضعیتی وقت زیادی صرف رسیدگی به پرونده های حاوی جرایم کوچک می گردد و رسیدگی به پرونده های کلان پولشویی که طبیعتاً نیازمند زمان کافی می باشد، به دلیل ضیق وقت و حجم کار بالا در حاشیه قرار خواهد گرفت.

واگذاری نظارت بر امر مبارزه با جرم پولشویی به یک نهاد غیر قضایی:

بر اساس اصول کلی حقوق کیفری، تصدی و نظارت بر اجرای قوانینی که متضمن مبارزه با جرم یا جرایم مختلف می باشند، بر عهده نهادها یا دستگاه های قضایی گمارده می شود؛ زیرا نحوه نظارت بر اجرای قوانین مذکور و رسیدگی به جرایم مندرج در آنها مستلزم داشتن صلاحیت و تخصص قضایی خواهد بود. با این وجود، قانون مبارزه با پولشویی در این خصوص دست به ابتکاری زده است و نظارت بر اجرای قانون موصوف را به نهادی اجرایی موسوم به "شورای عالی مبارزه با پولشویی" محول نموده است. در این راستا ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی مقرر می دارد:

"به منظور هماهنگی دستگاه های ذی ربط در امر جمع آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد و مدارک، اطلاعات و گزارش های واصله، تهیه سیستم های اطلاعاتی هوشمند، شناسایی معاملات مشکوک و به منظور مقابله با جرم پولشویی شورای عالی مبارزه با پولشویی به ریاست و مسئولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزرای بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی با وظایف ذیل تشکیل می گردد"

شایان ذکر است که قوانین پولشویی در کشورهای دیگر به خصوص کشورهای توسعه یافته با توجه به اهمیت ویژه مبارزه با معضل جرم پولشویی و نظر به ماهیت قضایی آن، تصدی و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات پولشویی را به نهاد یا نهادهای قضایی یا پلیسی واگذار نموده اند؛ لکن به منظور برنامه ریزی جامع و منسجم در ترکیب نهادهای موصوف از مقامات یا کارشناسان متخصص در حوزه های دیگر از جمله امور بانکی، امور اقتصادی و غیره دعوت به عمل می آورند. در قانون مبارزه با پولشویی متأسفانه یک رویه معکوس اتخاذ گردیده است؛ بدین معنا که نه تنها تصدی و نظارت بر اجرای قانون به یک نهاد اجرایی واگذار گردیده، بلکه نکته جالب این است که در ترکیب شورای عالی مبارزه با پولشویی هیچ نشانی از حضور مقامات قضایی و انتظامی کشور (حتی به عنوان عضو ناظر) نیز به چشم نمی خورد که این مسئله از حیث نظری و عملی بر طبق موارد ذیل قابل خدشه می باشد:

بر طبق اصل تفکیک قوا که در قانون اساسی ج.ا. ایران نیز کاملاً به رسمیت شناخته شده است، "مسائل تقنینی، قضایی و اجرایی کاملاً منفک گردیده و اجرای هر یک از آنها به قوای سه گانه مندرج در قانون اساسی واگذار گردیده است. بر اساس اصول مندرجه، نظارت بر اجرای صحیح قوانین، رسیدگی به جرایم و غیره بر عهده قوه قضاییه می باشد که به نظر می رسد، اقدام مجلس قانون گذاری به محول نمودن مسئله نظارت بر اجرای قانون مبارزه با پولشویی به شورای عالی مبارزه با پولشویی بر خلاف اصل تفکیک قوا و قانون اساسی باشد. ذکر این موضوع حائز اهمیت است که یکی از مهم ترین ایرادات وارده از سوی شورای محترم نگهبان به لایحه مبارزه با پولشویی، همین مسأله تداخل وظایف شورای عالی مبارزه با پولشویی با قوه قضاییه (عدم رعایت اصل تفکیک قوا) بود. با این وجود، معلوم نیست که چرا با وجود ایراد مطروحه از سوی شورای نگهبان، لایحه مبارزه با پولشویی با کیفیت قبلی به تأیید این شورا رسید. در هر حال اتخاذ رویکرد فوق الذکر در قانون مبارزه با پولشویی باعث می گردد تا قوه قضاییه به عنوان نهاد اصلی در امر مبارزه با پولشویی در حاشیه قرار گیرد و سیاست گذاری در حوزه جرم پولشویی در اختیار نهادی اجرایی (غیر قضایی) قرار گیرد که اتخاذ تصمیم در آن بدون حضور مقامات قضایی و انتظامی کشور به عمل می آید. صرف نظر از مقوله بالا، وقتی از منظر ماهوی به فرایند نظارت بر قوانین و مقررات حاکم بر پولشویی توسط شورای عالی نگریسته شود، این سوال به ذهن متبادر می گردد که آیا اساساً ایجاد یک نهاد موازی به نام شورای عالی مبارزه با پولشویی به نوعی منجر به طولانی شدن فرایند و روند اتخاذ تصمیم و سیاست گذاری در خصوص مبارزه با پولشویی نخواهد گردید؟ در حالی که ماهیت جرم پولشویی مستلزم واکنش سریع در ابعاد مختلف از جمله سیاست گذاری می باشد. از لحاظ عملی ذکر این مطلب شایسته است که تداخل وظایف و اختیارات قوه قضاییه و شورای عالی مبارزه با پولشویی، می تواند این چالش را به دنبال داشته باشد که در صورت بروز هر گونه کاستی یا قصور در جریان مبارزه با پولشویی، هر یک

از نهادهای فوق الذکر به راحتی دیگری را مسبب و مسئول امر بداند. حال آنکه اگر نظارت بر اجرای هدفمند قانون مبارزه با پولشویی به قوه.

در سیستم حقوقی سنگاپور اصلی ترین نهاد نظارت بر اجرای قوانین مربوط به پول شویی اداره امور تجاری" می باشد نهاد مذکور در سال ۱۹۸۶ تحت نظارت و به عنوان بخشی از وزارت اقتصاد سنگاپور تأسیس گردید و هدف اصلی و اساسی از ایجاد آن مبارزه جدی و موثر با جرایم کلاهبرداری کلان و پیچیده و به طور کلی جرایم اقتصادی از قبیل جرایم یقه سفیدان بود. لازم به ذکر است که تا قبل از پیا- ایش این نهاد تخصصی، سیستم حقوقی سنگاپور فاقد یک ارگان تخصصی جهت مبارزه با جرایم اقتصادی پیچیده بود. اداره امور تجاری در سال ۲۰۰۰ از بدنه وزارت اقتصاد جدا و منحل گردید، ولی مجدداً به عنوان بخشی از بدنه نیروی پلیس سنگاپور احیاء گردید. اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می نماید: "قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند".

قضاییه محول گردیده بود، اساساً زمینه حصول یک چنین چالشی فراهم نمی گردید یا به عبارت دقیق تر سالبه به انتفاء موضوع می گردید. ممکن است، این گونه استدلال شود که در صدر ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی صرفاً وظیفه هماهنگ سازی دستگاه های ذیربط در امر مبارزه با پولشویی، به شورای عالی مبارزه با پولشویی واگذار گردیده است و نظارت بر امر خطیر اجرای قانون مذکور در حوزه اختیارات شورای عالی نمی گنجد. لکن از محتوا و مفاد ماده مذکور می توان استنباط نمود که نظارت بر اجرای قانون مبارزه با پولشویی جزء اختیارات شورای عالی تلقی می گردد. زیرا بر اساس این ماده مقابله با جرم پولشویی به طور کلی به شورای عالی مبارزه با پولشویی محول گردیده است. لازم به ذکر است که مقابله با جرم پولشویی در وهله اول مستلزم اجرای قانون به طور کامل و شفاف می باشد که این امر به نوبه خود نیازمند نظارت بر اجرای قانون خواهد بود. از این رو باید اذعان نمود که گرچه نظارت بر اجرای قانون مبارزه با پولشویی به طور صریح به شورای عالی واگذار نگردیده است، اما این موضوع به دلالت التزامی از محتوای ماده ۴ قابل استنباط می باشد.

عدم پیش بینی راهکاری موثر در خصوص جرایم سازمان یافته:

جرایم سازمان یافته به فعالیت های غیر قانونی گروهی مجرمانه با ساختار یکپارچه و متحد اطلاق می شود که هدف اساسی از ارتکاب آن به دست آوردن منافع اقتصادی سرشار می باشد. تأثیر مخرب جرایمی که بیشتر به صورت سازمان یافته انجام می شود، به مراتب بیشتر از جرایمی است که به صورت انفرادی صورت می پذیرد. به همین دلیل کشورها و سازمان های بین المللی ذی ربط در تلاش هستند تا از طریق وضع مجازات های سنگین تر و دیگر اقدامات موثر راه ارتکاب این قبیل جرایم را تا حد ممکن مسدود نمایند که مهم ترین سند موجود در

این زمینه کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته و فراملی مصوب سال ۲۰۰۰ مشهور به کنوانسیون پالمو می باشد.

متأسفانه در نظام حقوقی ج.ا.ایران، هنوز قانونی که به طور ویژه معضل جرایم سازمان یافته را مورد توجه قرار دهد، به تصویب نرسیده است و چنین خلأیی بارها توسط محققین امور جزایی و برخی از مسئولین گوشزد شده است. جرم پولشویی نیز از جمله جرایم سازمان یافته تلقی می گردد که نیازمند توجه بیشتر از سوی نهادهای تقنینی، قضایی و اجرایی خواهد بود. در حالی که مرتکبین جرایم سازمان یافته برای پیشبرد اهداف خود و فرار از چنگال قانون مبادرت به تطهیر عواید ناشی از جرایم موصوف می نمایند. قانون مبارزه با پولشویی متضمن هیچ گونه راهکاری در خصوص جرایم سازمان یافته نمی باشد. دلیل طرح یک چنین چالشی بدین خاطر است که یکی از راه های مؤثر در جهت مبارزه با جرم پولشویی، مقابله و پیشگیری از وقوع جرایم مقدماتی (اولیه) است که منشأ حصول عواید و منافع می باشند؛ زیرا در صورتی که وقوع جرایم مقدم به نحو چشمگیری کاهش داشته باشد، به همان میزان عواید و منافع حاصله کاهش خواهد یافت و طبیعتاً زمینه ارتکاب جرایم پولشویی نزول می یابد. از این رو می توان گفت که درج مقررات و راهکارهایی در قانون مبارزه با پولشویی به منظور مقابله با جرایم سازمان یافته می توانست به عنوان یک مقدمه لازم و ضروری نه تنها میزان جامعیت قانون مذکور را افزایش دهد، بلکه در نظام قضایی و اجرایی حاکم بر مبارزه با پولشویی این فرهنگ را نهادینه سازد که لازمه مواجهه کارا با جرم پولشویی، مسدود نمودن سرچشمه آن یعنی جرایم کلان

اقتصادی می باشد. با این وجود شایسته بود که حداقل تدوین کنندگان لایحه مبارزه با پولشویی مجازات شدیدتری را برای ارتکاب جرم پولشویی در فرض ارتکاب آن به صورت سازمان یافته و توسط گروه های حرفه ای مقرر می نمودند.

عدم پیش بینی ضمانت اجرای کافی برای اجرای صحیح و مؤثر قانون:

اصولاً فرق عمده تکالیف و آموزه های اخلاقی با مقررات قانونی در ضمانت اجرای آنها نهفته می باشد، در حالی که ضمانت اجرای تکالیف اخلاقی وجدان شخص است. مقررات قانونی دارای ضمانت اجرای عینی و ملموس (کیفری، مدنی یا انضباطی) خواهند بود؛ از این رو چنانچه قانونی - حاوی وظایف مختلف - وضع گردد، لکن ضمانت اجرایی برای عدم رعایت وظایف مزبور مقرر ننماید، اساساً اطلاق واژه قانون بر سند وضع شده فاقد بار معنایی لازم خواهد بود. در مواد ۵، ۶ و ۷ قانون مبارزه با پولشویی کلیه اشخاص

حقوقی (دولتی و غیر دولتی) و برخی از اشخاص حقیقی مانند وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی دادگستری مکلف به انجام تکالیف مقرر در ماده ۷ قانون مذکور گردیده اند؛ حال آنکه هیچ گونه ضمانت اجرایی برای خودداری از انجام این تکالیف پیش بینی نشده است. با این توصیف معلوم نیست در صورتی که هر یک از

اشخاص یا نهادهای مذکور در قانون به تکالیف قانونی خود در راستای مبارزه با جرم پولشویی عمل ننماید، بر اساس کدام مستند قانونی و به موجب کدام کیفر مقرر می توان محکومیت یا الزام آنها را به تبعیت از قانون درخواست نمود؟

در همین راستا لازم به ذکر است که در نظام حقوقی حاکم بر جرم پولشویی در آمریکا عدم رعایت تکالیف مقرر در قوانین مربوط به پولشویی از سوی اشخاص و نهادهای ذی ربط به ویژه بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری، مستلزم اعمال کیفر خواهد بود؛ بر این اساس چنانچه شخصی به طور عمدی مبادرت به عدم رعایت وظایف مقرر در قانون نماید به پرداخت جزای نقدی تا سقف ۲۵۰ هزار دلار یا مجازات حبس تا سقف ۵ سال یا هر دو محکوم خواهد گردید. علاوه بر مجازات های فوق الذکر، نقض مقررات موصوف موجب تحمیل غرامت مدنی بر اشخاص مرتکب می گردد.

با توجه به نکته فوق الذکر این پرسش اساسی به ذهن متبادر خواهد گردید، نظر به اینکه یکی از چالش های عمده در جریان مبارزه با پولشویی، در حال حاضر رویه معمول بین اکثر بانکها و مؤسسات مالی ج.ا.ایران، مبنی بر عدم تمایل به گزارش نمودن معاملات و عملیات های مالی مشکوک به پولشویی می باشد، و از سوی دیگر قانون مبارزه با پولشویی فاقد تدابیر و ضمانت اجرای لازم در این خصوص می باشد، چگونه می توان در دراز مدت انتظار داشت که فرایند مقابله با جرم پولشویی در بدنه نظام مالی و پولی کشور نهادینه گردد؟ در اصل بیان این مطلب حائز اهمیت است که اگر قانونی با نگرش مبارزه با یک عرف رایج غلط به تصویب رسد، در حالی که قانون مزبور تدابیر، مکانیزم ها یا ضمانت اجراهای لازم و ضروری را به منظور تضمین اجرای مفادش پیش بینی ننموده باشد، در عمل چنین قانونی از حد یک توصیه نامه فراتر نخواهد رفت و به تدریج رنگ و بوی قانون را از دست خواهد داد.

عدم تناسب جرم پولشویی با مجازات مقرر در قانون

مجازات مقرر در قانون مبارزه با پولشویی برای مرتکبین این بزه کلان اقتصادی فاقد تناسب و سنخیت لازم می باشد. بر طبق ماده ۹ قانون، مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد در آمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد .

همان طور که ملاحظه می گردد، مجازات اصلی مقرر برای جرم پولشویی، پرداخت جزای نقدی آن هم به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم می باشد. وقتی از منظر تطبیقی به این موضوع نگریسته شود، این طور به نظر می رسد که ارتکاب جرم پولشویی در ج.ا.ایران فاقد مجازات قانونی می باشد؛ زیرا در قوانین پولشویی کشورهای

همچون سنگاپور، انگلستان و آمریکا مجازات اصلی ارتکاب جرم پولشویی اعمال حبس سنگین خواهد بود؛ لکن محکومیت به پرداخت جزای نقدی به عنوان مجازات تکمیلی در نظر گرفته می شود. از این رو می توان استنباط کرد که در قانون مبارزه با پولشویی ج.ا. ایران، ارتکاب جرم پولشویی فاقد مجازات اصلی (حبس) و تنها در بر گیرنده پرداخت جزای نقدی می باشد.

نکته حائز اهمیت این است که حتی مجازات پرداخت جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم با ماهیت جرم پولشویی تناسب و سنخیت ندارد؛ زیرا جرم پولشویی جرمی است که اولاً، دارای آثار بسیار مخرب بر پیکره اقتصادی یک کشور است. ثانیاً، این جرم عمدتاً به صورت سازمان یافته و توسط گروه های انجام می گردد که دارای توان و بنیان اقتصادی بسیار بالا می باشند. بنابراین در صورت محکومیت، پرداخت جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصله با توجه به بنیه مالی آنها مبلغ اندکی به نظر می رسد؛ فلذا مجازات موصوف نمی تواند واجد اثر بازدارندگی لازم در ارتباط با ارتکاب جرایم بعدی باشد و از سوی دیگر مرتکبین جرایم پولشویی قادر خواهند بود، بدون هیچ گونه محدودیت یا دغدغه ای زمینه تطهیر عواید نامشروع حاصل از ارتکاب جرایم را در مقیاس وسیع تر فراهم آورند.

ممکن است این گونه ادعا شود که رویکرد مقنن ایرانی در قانون مبارزه با پولشویی مبنی بر عدم ذکر مجازات حبس برای محکومین جرایم پولشویی در راستای نگرش نوین حبس زدایی در سال های اخیر صورت پذیرفته است. لکن ایراد توجیه بالا در این امر نهفته است که اتخاذ سیاست حبس زدایی باید بر اساس شرایط و اصول کلی حاکم بر نظام کیفری جرایم عملی گردد و نباید به گونه ای مورد استفاده قرار گیرد که موجبات عدم کارایی و بی اثر شدن قوانین کیفری را فراهم آورد. فلذا باید اذعان نمود که مجازات مقرر در قانون مبارزه با پولشویی به هیچ وجه با ماهیت این جرم سازمان یافته تناسب ندارد و چنین چالش یا خلأیی در نظام قانونی حاکم بر جرم پولشویی می تواند آینده تمامی تلاش ها و کوشش های صورت گرفته را با مشکل اساسی روبرو سازد.

عدم پیش بینی راهکار کیفیات مخففه و معاف کننده:

یکی از تدابیر مؤثری که در قوانین کیفری به منظور همکاری بیشتر متهمین با مقامات پلیسی و قضایی اتخاذ می گردد، استفاده از مکانیزم کیفیات مخففه یا معاف کننده می باشد که بر این اساس متهم در شرایط خاصی مشمول تخفیف یا معافیت از تحمل مجازات می گردد. متأسفانه نقص دیگری که در قانون مبارزه با پولشویی مشاهده می شود این است که اشخاصی را که قبل از کشف جرم با مأمورین انتظامی و مقامات قضایی همکاری نموده و اموال و عواید حاصل از جرم را به مقامات ذیربط تحویل یا اطلاعات لازم را برای کشف جرایم پولشویی و شناسایی و دستگیری شرکای جرم در اختیار آنان قرار می دهند، مشمول کیفیات مخففه یا معاف کننده ندانسته است؛ به عبارت بهتر قانون مبارزه با پولشویی در این خصوص سکوت اختیار نموده است. شاید عنوان گردد که این مقوله

در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است و نیازی به طرح مجدد آن در قانون مبارزه با پولشویی نیست. با این وجود در پاسخ باید گفت که اولاً، تخفیف مذکور در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به صورت اختیاری است و دادگاه مخیر به اعمال آن می باشد. ثانیاً، ماده موصوف تنها ناظر بر تخفیف و تبدیل مجازات است نه معافیت از مجازات. از این رو به نظر می رسد که یکی از شیوه های کارساز در جهت مبارزه با جرم پولشویی این است که قانون مبارزه با پولشویی باید به نحوی تنظیم گردد که متضمن مشوق های کافی برای مرتکبین جرم برای همکاری با مأمورین انتظامی و مقامات قضایی باشد که این مهم نیز جز با الزام قانونی و درج صریح در متن قانون میسر نخواهد بود.

عدم الزام بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری به استفاده از واحد ضد پولشویی در ساختار سازمانی:

امروزه اهمیت مبارزه با جرم پولشویی به قدری در اسناد بین المللی و قوانین داخلی برخی از کشورها مورد توجه قرار گرفته است که تلاش سیاست گذاران امور کیفری بر این محور استوار گردیده تا از تمامی ظرفیت ها و امکانات موجود برای مبارزه با این جرم استفاده شود. در این راستا قوانین و مقررات بعضی از کشورها بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری، همچنین سایر نهادهای مالی و پولی را مکلف به ایجاد واحدی تخصصی تحت عنوان "واحد ضد پولشویی" نموده اند. فایده عملی یک چنین ابتکاری به طور خلاصه از قرار ذیل می باشد:

اولاً، تأسیس واحد ضد پولشویی این قابلیت کلیدی را دارا می باشد که می تواند به عنوان یک پل ارتباطی بین نهادهای مالی - پولی و دستگاه های پلیسی و قضایی عمل نماید با این توضیح که از یک سو مقامات پلیسی و قضایی در عمل آگاه خواهند بود که یک واحد تخصصی به نام واحد ضد پولشویی در بانک ها و دیگر نهادهای مالی مستقر می باشد و در صورت لزوم می توانند از واحد مزبور اطلاعات مورد نیاز را در خواست نمایند و از سوی دیگر بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری با ایجاد واحد مزبور در عمل نشان خواهند داد که به قوانین و ضوابط حاکم بر پولشویی پای بند بوده اند.

فایده دیگر استقرار واحد ضد پولشویی این است که بانک ها و دیگر مؤسسات مالی را قادر می سازد تا به طور تخصصی و متمرکز به جنگ با پولشویی روی آورند؛ زیرا در وهله اول چنین واحدی از وجود افراد متخصص و متبحر در امر مبارزه با پولشویی بهره می جوید که این خود باعث می گردد، بانک ها و نهادهای مالی نگاهی کارشناسانه به مقوله پولشویی داشته باشند. در وهله دوم وجود واحد مذکور موجب می گردد تا از انجام فعالیت ها و کارهای موازی در یک نهاد یا سازمان خودداری به عمل آید. به عبارت دیگر کلیه اقدامات و فعالیت ها در یک واحد مشخص متمرکز گردد، زیرا در چنین حالتی واحدهای دیگر در بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری مکلفند در صورت احراز معاملات یا عملیات های مشکوک به پولشویی با سایر اطلاعات مربوطه، مراتب را به واحد ضد پولشویی گزارش دهند. با وجود فواید عملی استقرار واحد ضد پولشویی در بانک ها و مؤسسات

مالی و اعتباری به منظور مبارزه مؤثرتر با جرم پولشویی، قانون مبارزه با پولشویی در ج.ا.ایران نسبت به این موضوع مهم فاقد مقرره خاص می باشد. حال با توجه به این خلأ قانونی، این سؤال کلیدی مطرح می گردد که بانک ها و دیگر نهادهای مالی و پولی از طریق چه کانالی مبادرت به گزارش نمودن موارد مشکوک به پولشویی به نهادهای قضایی ذی ربط می نمایند؟ لازم به ذکر است که عدم شفاف بودن قانون در مواردی از این قبیل، به تدریج این بازتاب فکری را به همراه خواهد داشت که تدوین کنندگان متن قانون مبارزه با پولشویی عزم چندانی برای مقابله با این پدیده شوم اقتصادی نداشته اند و تصویب قانون موصوف آن هم به صورت بسیار موجز و مختصر صرفاً از باب رفع تکلیف مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۸ وین علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان می باشد.

عدم جرم انگاری برخی از اقدامات مخل فرایند مبارزه با پولشویی:

در جریان جرم انگاری مصادیق عمل پولشویی یکی از ابتکارها با اقدامات قابل توجه این است که نه تنها مصادیق بارز پولشویی، جرم انگاری می شود، بلکه به منظور تأثیر همه جانبه قانون هر گونه فعالیت یا اقدامی که مخل جریان مبارزه با پولشویی باشد نیز جرم قلمداد گردیده و مورد هدف قانون گذار قرار می گیرد. در این ارتباط می توان به دو مورد مهم اشاره نمود که در قوانین برخی از کشورها از جمله انگلستان و سنگاپور به عنوان مصادیق جرم پولشویی تلقی گردیده اند، حال آنکه نفس اعمال مذکور پولشویی قلمداد نمی گردد، خودداری از افشای هر گونه اطلاعات مربوط به جرایم پولشویی به طور آگاهانه: یکی از اقدامات اساسی و مهم در فرایند مبارزه با پولشویی که در قوانین برخی از کشورها مورد توجه قرار گرفته است، جرم انگاری برخی از رفتارهایی است که در حقیقت عمل پولشویی تلقی نمی گردند. لکن به سبب اینکه رفتارهای موصوف مخل فرایند مبارزه با پولشویی می باشند، مورد توجه سیاست گذاران امر قرار گرفته اند در این راستا یکی از رفتارهای مخل فرایند مقابله با پولشویی، خودداری از افشای اطلاعات مربوط به معاملات و عملیات های مالی مشکوک به پولشویی می باشد که به عنوان یکی از مصادیق اجلی جرم پولشویی در قوانین برخی از کشورها از جمله انگلستان و سنگاپور جرم انگاری گردیده است. در حالی که رکن مادی این عمل به هیچ وجه با جرم پولشویی منطبق نمی باشد. لکن به دلیل اینکه عدم افشای اطلاعات در ارتباط با جرایم پولشویی از سوی افراد مطلع می تواند تأثیر شایانی در محل نمودن فرایند مبارزه با پولشویی داشته باشد. مقامات قانون گذاری در برخی از کشورها عمل فوق الذکر را جرم تلقی کرده اند. در قانون مبارزه با پولشویی ج.ا.ایران در ماده ۲ هیچ گونه اشاره ای به مقوله فوق الذکر نگردیده است، حال آنکه شایسته بود قانون گذار در این ماده به عنوان یکی از مصادیق جرم پولشویی اشاره صریح به خودداری افراد یا سازمان ها از افشای اطلاعات مرتبط با جرایم پولشویی می نمود. نکته حائز اهمیت این است که اتخاذ رویکرد فوق الذکر می تواند تأثیر قابل توجهی بر میزان همکاری بین سازمان های ذی صلاح در امر

مبارزه با پولشویی از یک طرف و همکاری عموم مردم در افشای اطلاعات مربوط به پولشویی از سوی دیگر داشته باشد. زیرا در این فرض افراد و سازمان های ذی ربط می دانند که خودداری از افشای اطلاعات مربوط به معاملات و عملیات های مشکوک به پولشویی جرم محسوب می گردد و مستلزم عواقب سنگین کیفری و مدنی خواهد بود. افشای عمدی هر گونه عملیات پلیسی یا قضایی به منظور کشف جرایم پولشویی: از دیگر رفتارهای مخل فرایند مبارزه با پولشویی افشای عمدی هر گونه عملیات پلیسی و قضایی جهت کشف جرایم پولشویی می باشد. در این راستا بخش های ۶۸ (۱) و (۲) قانون فساد، قاچاق مواد مخدر و سایر جرایم شدید در کشور سنگاپور مقرر می دارد، چنانچه شخصی بداند یا دلایل معقولی داشته باشد که عملیات تجسس یا بازرسی به منظور کشف جرایم مقرر در این قانون در حال انجام شدن است یا قرار است که در آینده نزدیک عملی گردد و نامبرده مبادرت به افشای عملیات مورد نظر به شخص یا اشخاص درگیر در جرایم تحت پیگرد نماید، مرتکب جرم گردیده و به پرداخت جزای نقدی حداکثر به میزان ۳۰ هزار دلار سنگاپور یا مجازات حبس تا سقف ۳ سال یا هر دو محکوم خواهد گردید. در انگلستان نیز مقنن در قانون عواید حاصل از جرم مصوب سال ۲۰۰۲ دست به ابتکار مشابهی یازیده است و افشای هر گونه اطلاعات مرتبط با عملیات تجسس پلیسی یا قضایی را در خصوص کشف جرایم پولشویی مقرر در قانون توسط افراد آگاه را جرم تلقی نموده است. قانون مبارزه با پولشویی در ج.ا.ایران متأسفانه فاقد مقرره خاص در خصوص جرم انگاری عمل افشای هرگونه عملیات تجسس پلیسی یا قضایی به عنوان یکی از مصادیق جرم پول می باشد. عدم درج مقررات ویژه در خصوص جرایم پولشویی الکترونیک ۲۰۰۲.

همان طور که اشاره گردید، قانون مبارزه با پولشویی بسیار مجمل و مختصر به موضوع پیچیده جرم پولشویی پرداخته است و عملاً فاقد مقررات خاص در ارتباط با بسیاری از مسائل با مقولات مرتبط با جرم پولشویی می باشد که یکی از این موارد، عدم توجه به مقوله پولشویی الکترونیک در قانون مذکور است. در سال های اخیر، گر چه رشد چشمگیر ابزارها و وسائل الکترونیک موجب گردیده است تا انجام کلیه معاملات با عملیات های مالی و بانکی با سرعت و دقت عمل بیشتری صورت پذیرد، لکن در این میان ارتکاب جرایم مالی نیز به واسطه امکان استفاده مجرمین از خدمات الکترونیک بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری، از حالت عادی یا سنتی به الکترونیک تغییر ماهیت داده است. از این رو در اکثر کشورهای توسعه یافته به منظور تنظیم بازارهای پولی و مالی و جلوگیری از ارتکاب جرایم در فضای سایبری، وضع قوانین خاص در راستای مبارزه با جرایم الکترونیک مورد توجه دست اندرکاران قرار گرفته است.

جرم پولشویی الکترونیکی به دلیل دارا بودن ماهیت خاص نسبت به جرایم پولشویی عادی مستلزم وضع مقررات ویژه و متناسب با ماهیت این جرم است، زیرا در عمل امکان کشف، ثبت و ضبط أدله وقوع جرم و مستند سازی

روند ارتکاب جرم به دلیل وقوع آن در یک فضای مجازی (سایبری) به مراتب سخت تر از جرایم عادی می باشد. فلذا مبارزه با این جرایم نه تنها مستلزم سرعت و دقت عمل بالای مأمورین مبارزه با جرایم پولشویی است، بلکه قوانین حاکم نیز باید بستر و زمینه لازم را در این ارتباط فراهم آورند.

یکی از کاستی های عمده در قانون مبارزه با پولشویی عدم توجه مقنن به ارتکاب جرایم پولشویی الکترونیک و وضع مقررات ویژه در این زمینه می باشد. شاید در نگاه اول این طور به نظر آید که با تدابیر و مکانیزم های موجود در قانون فعلی می توان به کارزار با پولشویی الکترونیکی پرداخت، لکن در دراز مدت با توجه به گسترش نظام بانکداری خصوصی از یک طرف و توسعه خدمات بانکداری الکترونیک از طرف دیگر می توان شاهد بروز یک شکاف عمیق در پیکره نظام قانونی حاکم بر مبارزه با پولشویی بود، زیرا اساس کار از ازل بر بنیانی سست استوار گردیده است.

عدم وضع مقررات قانونی به منظور کنترل پولشویی در بازار اوراق بهادار:

یکی از شیوه های مرسوم پولشویی، ورود سرمایه های نامشروع به بورس اوراق بهادار به منظور خرید سهام شرکتها یا اوراق قرضه می باشد در این راستا تطهیر کنندگان عواید حاصل از جرایم وقتی از ورود عواید نامشروع در چرخه نظام بانکی یک کشور ناامید می شوند به عنوان یکی از شیوه های جایگزین به سراغ دیگر بازارهای سرمایه از جمله بورس اوراق بهادار می روند و از این طریق تلاش می کنند تا با خرید اوراق بهادار و مبادله آن در چندین مرحله، منشأ سرمایه اولیه را مشروع جلوه دهند. به همین جهت در اغلب کشورها نهادهای متصدی امر مبارزه با پولشویی به موازات وضع مقررات برای کنترل پولشویی در سامانه بانکی به وضع مقررات ویژه جهت مبارزه با پولشویی در دیگر بازارهای سرمایه از جمله بازار مبادله اوراق بهادار، بورس کالاها و بازار بیمه می پردازند.

متأسفانه یکی دیگر از چالش های عمده در نظام قانونی حاکم بر مبارزه با پولشویی عدم وجود ضوابط و مقررات لازم برای نظارت و کنترل جرایم پولشویی در بازار اوراق بهادار و دیگر بازارهای سرمایه می باشد در این راستا نه تنها قانون مبارزه با پولشویی فاقد مقرر یا مقرراتی در ارتباط با چگونگی و نحوه کنترل و مبارزه با پولشویی در بورس اوراق بهادار و سایر بورس ها می باشد بلکه به طور صریح نیز نامی از سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان یکی از سازمان های مکلف به اجرای قانون برده نشده است، به گونه ای که این موضوع به ذهن متبادر می شود که تهیه کنندگان قانون مبارزه با پولشویی بر این باور بوده اند که فرایند پولشویی صرفاً در سامانه بانکی کشور اتفاق می افتد. در هر حال خلا قانون مبارزه با پولشویی در خصوص وضع قواعد شفاف و روشن درباره بازار اوراق بهادار و سایر بازارهای سرمایه موضوعی نیست که به سادگی بتوان از آن گذر نمود.

نتیجه گیری:

نظام تقنینی - اجرایی حاکم بر مبارزه با جرم پولشویی در ج.ا.ایران نظامی نوپا تلقی می گردد که تکامل و پویایی آن در وهله اول در گرو همکاری و تعامل نزدیک کلیه ارگان ها و نهادهای ذی ربط می باشد. جرم پولشویی از جمله جرایمی است که به دلیل نداشتن آثار مادی و ملموس امکان کشف و تعقیب آن در مقایسه با جرایم دیگر به مراتب سخت تر می باشد از این رو چنانچه همکاری و تبادل اطلاعات بین دستگاه های مربوطه از انسجام کافی برخوردار نباشد، حتی در صورت وجود قوانین جامع و کامل امکان مبارزه مؤثر با این جرم فراهم نخواهد گردید. تکامل و پویایی نظام مذکور مستلزم شناسایی تدریجی چالش ها و خلأها و عزم جدی برای برطرف نمودن آنها است. در این راستا آنچه در فصل دوم بدان پرداخته شد صرفاً بیان و تحلیل پاره ای از خلأهای عمده قانون مبارزه با پولشویی بود؛ اما آنچه ذهن را به چالش وادار می کند درک و فهم این واقعیت عملی است که مبارزه مؤثر با جرم پولشویی مستلزم یک آسیب شناسی این پدیده در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی می باشد. وجود یک قانون مترقی در ارتباط با جرم پولشویی تنها یکی از ابزارهای لازم برای مقابله با این جرم قلمداد می گردد؛ اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جهت نهادینه ساختن عزم ملی مبارزه با این پدیده شوم از دیگر تدابیر لازم برای مهار آن می باشند.

از منظر تقنینی قانون مبارزه با پولشویی دارای کاستی های عدیده است که رفع آنها در گام نخست نیازمند شناخت آنها از طریق استفاده از اقدامات و ارزیابی های کارشناسانه خواهد بود بعد از شناخت چالش ها، با در نظر گرفتن اقداماتی که دیگر کشورها و سازمان های بین المللی در موارد مشابه انجام داده اند می توان در مسیر اصلاح قانون گام بعدی را برداشت. نکته واجد اهمیت در این فرایند این است که تجدید نظر و بازنگری در قانون مبارزه با پولشویی باید متناسب با ماهیت جرم پولشویی و منطبق با نیازهای روز جامعه ایران باشد به گونه ای که در پرتو آن بتوان فرهنگ مبارزه و مقابله با این جرم را در جامعه نهادینه نمود. از سوی دیگر بازنگری در قانون باید همگام با دیگر اصلاحات مورد نیاز اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد تا کارساز و مؤثر واقع شود.

منابع و ماخذ

الف) کتب فارسی

۱. امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، علمیه، ۱۳۷۵
۲. بدریان، فخرالدین، مجموعه کامل قوانین و مقررات مواد مخدر، آبان ماه ۱۳۸۰
۳. تجلی، سید ایت اله، مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم در بانک ها، تهران، آراد کتاب، کیهانشان دانش، ۱۳۹۰
۴. تذهیبی، فریده، پولشویی و سیستم بانکی، تهران، انتشارات زعیم، ۱۳۸۴
۵. جباری، محمد، گونه های پولشویی و آثار ان براققتصاد، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷
۶. جزایری، مینا، پولشویی، جرم پولشویی به عنوان جرم مستقل، مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی دانشگاه شیراز ۱۳۸۲
۷. جفری، رابینسون، شستشوی پول آلوده، ترجمه البرت برنادی، انتشارات کلک آزادگان، چاپ اول ۱۳۸۱
۸. جلالی فراهانی، امیر حسین، «پولشویی الکترونیکی»، فقه و حقوق، دوره اول، ۱۳۸۴.
۹. حبیب زاده، محمد جعفر، جرایم علیه اموال، انتشارات سمت، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۴
۱۰. حسنعلی، فرنود، سلطانی، سهیلا، ضرابیه، فرشته، مدیریت بانکداری الکترونیکی، تهران انتشارات سبزان، ۱۳۸۷.
۱۱. دبیر خانه مبارزه با مواد مخدر، گزارشهای ابعاد بین المللی مواد مخدر در زمینه مسائل قضایی، تهران ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۷
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد چهارم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳
۱۳. رو آن با سورت دیویس، سالت مارش، گراهام، پولشویی، ترجمه نصر... امیر بشیری، تهران، معاونت آموزش ناجا، ۱۳۷۶
۱۴. رهبر، فرهاد، میرزاوند، پولشویی و روشهای مقابله با آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۱۵. زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات دانشگاه کاشان، چاپ سوم، پاییز ۷۹، جلد اول
۱۶. سادوسکای، جورج و همکاران، راهنمای امنیت فناوری اطلاعات، ترجمه مهدی میردامادی و همکاران، تهران، انتشارات گل واژه، ۱۳۸۴
۱۷. شهریار، محمد، پولشویی در اسناد بین المللی حقوق ایران، اصفهان، دادیار، ۱۳۸۶، چاپ اول

۱۸. صحرایان، سید مهدی، سویس بزرگترین مرکز تطهیر پول جهان، تهران، ناشر مولف، ۱۳۸۱
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۸۰، ج ۴
۲۰. فیض زرین قلم، بهرام، حاج نوروزی، مجید، مقررات پیشگیری از پولشویی در مؤسسات مالی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴
۲۱. کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر، پول شویی تهران، وفاق، ۱۳۸۲
۲۲. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه؛ بخش مدنی (مالکیت - مسئولیت)، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۸۷
۲۳. موسوی مقدم، محمد، تطهیر درآمد ناشی از جرم، انتشارات رضوانی، چاپ اول، ۱۳۸۱
۲۴. معین، محمد، لغت نامه، انتشارات سرایش، چاپ اول، ۱۳۸۹
۲۵. میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل تهران، میزان، ۱۳۷۷
۲۶. نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه در خصوص جرایم مواد مخدر، ج ۵، چاپ ۷۹ روزنامه رسمی، شماره ۹۲۲۷/۷ مورخ ۱۳۶۸/۳/۱

ب) مقالات

۱. احمدی، محمد، پولشویی و ماهیت حقوقی آن، مجلات تخصصی نور، مجله معرفت، اردیبهشت ۱۳۸۷، شماره ۲۵
۲. بوریکان ژان، بزهکاری سازمان یافته در حقوق فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۲ - ۲۱، انتشارات شهید بهشتی، ۱۳۷۸
۳. تذهیبی اصفهانی، فریده، شستشوی پول در روسیه، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۴ و ۵
۴. خسروی، عبدالحمید، پولشویی و راهکارهای مبارزه با آن، مجلات تخصصی نور، مجله اقتصاد اسلامی، بهار ۱۳۸۴، شماره ۱۷
۵. رحیمی مقدم، علیرضا، پولشویی در تجارت بین الملل، نشریه بانک ملی ایران، شماره ۱۴۸، ۱۳۸۷
۶. قناد، فاطمه، بررسی تناسب میان جرم و مجرم در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران (مجموعه مقالات)، همایش بین المللی علمی - کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، روزنامه رسمی، جلد اول
۷. مدنی اصفهانی، محبوبه، ملک عبدالرضا، محبوبه، پولشویی و راههای مبارزه با آن، اداره مطالعات بانک رفاه، سایت اینترنتی

۸. میر محمد صادقی، حسین، «پولشویی»، مجموعه سخنرانی ها و مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی، ج ۲، شیراز، نشر وفاق، ۱۳۸۲

۹. میر محمد صادقی، حسین، پولشویی و ارتباط با جرایم دیگر؛ همایش بین المللی مبارزه با پولشویی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۲

۱۰. مترجم: م. ادیب پولشویی در بانکهای امریکا، ترجمان اقتصادی، سال سوم شماره ۴۲

۱۱. مترجم: زهرا علی اکبری، بهشت پولهای کثیف، دنیای بانکداری، فصلنامه بانک، شماره ۱۴

ج) پایان نامه

۱. محمدی، احمد، بررسی راهکارهای مبارزه با تطهیر پول در اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی حقوق جزا، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۰

۲. حیدری، علی مراد، تطهیر پول در اسناد بین المللی و حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم، شهریور ۱۳۸۲